

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

اخلاق و جوانان

Ketabton.com

مؤلف: سلام الدين (محمدي)



اخلاق و جوانان

نویسنده: سلام الدین "محمدی"

مشخصات کتاب:

نام کتاب:	اخلاق و جوانان
مؤلف:	سلام الدین "محمدی"
سال:	۱۳۹۷ ه.ش.
ناشر:	انتشارات شهاب
تیراژ:	۱۰۰۰ جلد
حق چاپ و نشر محفوظ می باشد.	

{ آموزش خزانہ ای است کہ صاحب و در اہر کجا دنبال می کند }

تقدیم به :

اساتید که سکنین ترین وظایف اجتماعی را بر عهده دارند و چون شمع
می سوزند تا راه دیگران را روشن کنند و نیز به والدین عزیزم که
زمینه آموزش و تحصیلات ام را فراهم نمودند.

فهرست

مقدمه.....	ث
فصل اول.....	۱
اخلاق چیست؟.....	۲
اهمیت اخلاق در زندگی	۲
فلسفه اخلاق اسلامی.....	۶
اصول اخلاق.....	۸
فصل دوم.....	۹
اوصاف اخلاق نیک.....	۱۰
صداقت و راستی.....	۱۰
شجاعت.....	۱۰
وفا.....	۱۳
اخلاص.....	۱۴
تاثیر اخلاص در اعمال.....	۱۵
اخوت و همدلی.....	۱۶
فصل سوم.....	۱۸
رذایل اخلاقی.....	۱۸
رشوت.....	۱۹
شراب (الکول).....	۲۰

تأثیر الکول بر شخصیت.....	۲۰
مواد مخدر.....	۲۱
عوامل اعتیاد.....	۲۱
فصل چهارم.....	۲۳
آداب اجتماعی.....	۲۴
تعریف آداب.....	۲۴
آداب اجتماعی اسلام.....	۲۴
آداب سلام دادن در اسلام.....	۲۶
مطالب ارزنده.....	۲۶
آداب مجلس.....	۲۸
وظایف جوانان.....	۲۹
نقش جوانان در انکشاف و ترقی کشور.....	۳۰
منابع و مأخذ.....	۳۲

مقدمه

حمد و تو صیف خداوندی را که پیامبرش حضرت محمد مصطفی (ص) را جهت نجات بشریت و برچیدن دامنه های جهل و ظلمت مبعوث فرمود.

جوانان عزیز!

انسانها برای زیستن به اجتماع نیاز دارند، ضرورت حیات اجتماعی منجر به ایجاد روابط میگردد، و همین روابط اجتماعی از طرف انسانها گاهی خوب و گاهی بد نامیده می شود و ممیز اخلاق نیک و بد افراد جامعه قرار میگیرند، بنا براین دانستن اخلاق و آداب اسلامی برای تمام اقشار جامعه بویژه جوانان عزیز لازم و ضروری میباشد.

این کتاب شامل چهار فصل میباشد، که فصل اول آن در برگیرنده اهمیت، فلسفه و تعریف اخلاق، فصل دوم در باره اوصاف اخلاق نیک، فصل سوم در باره رذایل اخلاقی و فصل چهارم درباره آداب اجتماعی بوده و مطالب آموزنده در لابلای کتاب ذکر شده است.

کتاب تدوین شده تحت نام اخلاق و جوانان یک کتاب مفید برای قشر جوان جامعه بوده، از الله متعال استدعا دارم که این عمل را خالصاً برای رضای خویش پذیرفته و توفیق خدمت بیشتر برایم عطا نماید.

بالاحترام

سلام الدین(محمدی)

فصل اول

اخلاق چیست؟

{هرگز برابر نیست آنانیکه می داند و آنانیکه نمی داند}

اخلاق چیست؟

تعریف اخلاق: اخلاق جمع خُلق بوده و به عنوان مجموعه ای از صفات و رفتار یک شخص می باشد. یا اخلاق جمع خُلق بوده به معنای دین، خوی، طبع، مروت و خوبی ها می باشد.

تعریف اصطلاحی: اخلاق محدود کردن غرایز بمنظور پیشرفت تمدن است یعنی غرایز را باید در حیطه عقل محدود کرد تا به تمدن و اجتماع آسیبی وارد نشود.

اهمیت اخلاق در زندگی

اخلاق انسانی و شرح فضایل آن همیشه مورد بحث دانشمندان و فلاسفه بوده است و نظریات مفیدی را ارائه داشتند و در مورد سلوک انسان و چگونگی ساختار آن به نتایج خوبی دست یافته اند اما این کاوش ها و دریافت فضایل سلوک انسانی ، همیشه در محدوده باقی مانده است و هیچگاهی هم به عنوان یک درس عملی برای انسانها مطرح نگردیده و از تبارز خود به شکل اسوه و نمونه نیک عاجز مانده است به طور مثال: ارسطو فیلسوف معروف یونان در مورد سلوک اخلاقی انسان بیانات و اظهارات زیادی دارد و نکات خوبی را بیان کرده اما اگر دیده شود در جامعه که وی زندگی می نمود هیچ اثری از اندیشه های اخلاقی او دیده نمی شود،

در جامعه که وی زندگی می کرد فساد اخلاقی به اوج خود رسیده امواج ظلم و بی عدالتی در بحیره سیاه متلاطم بود اثری از دلسوزی و ترحم به چشم دیده نمی شد حتی اگر شاگرد خاص او همان اسکندر کبیر است به اندازه یک ذره هم از اندیشه های وی متأثر نشده بود چنانچه او با تمام بی رحمی بر بدر می تازد و سلطنت را از وی می رباید تا با قربان کردن هزاران انسان دست به فتوحات بزند و در قاره های آسیا،افریقا و اروپا آتش خون بر پا کرد مشکل اساسی نظریات اخلاقی که بر بنیاد غیر وحی الهی استوار اند ناشی از این است که نتوانسته اند جوابات درست، منطقی و یگانه را برای سوالات اساسی «فلسفه اخلاق» تقدیم نماید به همین دلیل نتوانستند برنامه جامع و یگانه اخلاق را برای جامعه انسانی به ارمغان بیاورند، دو سوال اساسی فلسفه اخلاقی که ارجحیت اصول وقواعد اخلاقی اسلام را بر دیگر نظریات اخلاقی ثابت می سازد عبارت اند از:

سوال اول : سعادت و پیروزی واقعی که انسان بخاطر رسیدن به آن تلاش میکند؟

سوال دوم: براساس کدام معیار، عملکرد های خوب و بد انسان از هم تفکیک می یابد؟

دین اسلام بعنوان کامل ترین دین آسمانی، بنیاد های اخلاقی را به طور درست آن طرح نموده و جواب های در رابطه به سوال های فوق ارایه میدارد که عاری از نا توانی های فلسفی بوده و راه عملی را برای

تعمیر سیرت نیکوی انسان و ایجاد و اجتماع سالم باز مینماید و بهترین نظام اخلاقی و مستحکم ترین بنیاد های تمدن انسانی را پی ریزی می نماید نظریه اخلاقی اسلام در جواب این سوالات از تعیین موقف و جایگاه انسان در کاینات آغاز می گردد.

طبق فرموده خالق کاینات، انسان در این دنیا به حیث بنده الله متعال و خلیفه وی زیست دارد همه داشته های وی در تصرف خالق اش می باشد و مامور است تا مطابق دستورات وی در آن تصرف نماید.

ضمناً این ماموریت امتحان الهی است که برانسان آورده و می خواهد تا هرکسی را مطابق اعمالش مجازات و مکافات لازم بدهد.

نظربه مقام و حیثیت انسان در دنیا به نتیجه منطقی بدست می آید که وی این حق را ندارد که اصول اخلاقی خود را خود پی ریزی کرده مطابق آن عمل نماید بلکه فیصله درین مورد حق مختص او تعالی بوده است که راه روش اخلاقی انسان را تعیین می نماید. در صورت بجای جواب های متعدد به یک جواب درست دست می یابیم و آن اینکه:

کامیابی در امتحان الهی و کسب رضای وی به عنوان بلند ترین هدف و برترین سعادت در برابرانسان قرار می گیرد و انسان زمانی کامیاب خواهد بود. که با عملکرد های خود رضا و خوشنودی او تعالی را بدست بیاورد.

و نیز معیار درست بودن و یا نا درست بودن هر عمل نیز بدست می آید که مطابق این دیدگاه هر عملی که انسان را به این هدف می رساند خوب و نیک است.

و هر عملی که را از این هدف دور می نماید نادرست، بد و شر می باشد.

البته با در نظرداشت همین معیار در فصل های دوم و سوم این رساله مفصلاً روی اعمال نیک اوصاف اخلاق نیک و اعمال بد (رذایل اخلاقی) بحث شده است.

که آموزش آن برای هر فرد از افراد جامعه لازم است خصوصاً برای قشر جوان و بویژه متعلمین و محصلین محترم نهایت ضروری و حتمی است چون آنها آینده سازان و الگوی افراد عادی جامعه اند تا بتواند در روشنی این اصول اخلاق اسلامی در بین جامعه اسلامی به صفت اشخاص نمونه و قابل احترام و اعتماد زندگی کند و اعمال خوب را از اعمال زشت متمایز نمایند.

فلسفه اخلاق اسلامی

چنانچه می دانیم در جامعه که ما زندگی می کنیم یک جامعه کاملاً اسلامی بوده و دین اسلام برای حیات آسوده و با آسایش پیروانش یک نظام اخلاقی کاملاً استثنای دارد و پیروانش را در هر بُعد زندگی راهنمایی می کند تا با پیروی از آن و با اعتقاد بر زیست با دیانت و اخلاق نیکو بطور متحدانه بدون خوف و ترس از اضرار یکدیگر با ارزش های والای حیات، زندگی نموده از انعامات الهی بهرمنند گردیده و به آزمون محشر آماده گردند بنا بر این برای ما ضرور است که اصول و قواعد اخلاق اسلامی را آموخته و از آن پیروی کنیم و هر عملیکه خیر ما و خیر جامعه و کشور ما در آن دخیل باشد انجام نماییم و هر کاری که منجر به ضرر ما و جامعه ما می گردد، اجتناب کنیم پس علم اخلاق ما را از اعمال نیک و بد یعنی از اعمال خیر و شر آگاه ساخته و دساتیر مثبت اخلاقی را به ما یاد میدهد و این آموزش وقتی کامل می گردد که

به دانسته های خود جامعه عمل پوشانده در زندگی خود عمل نماییم با توجه برای اینکه اسلام بخش های تکلیفی مختلف درارد که شرط مقبولیت همه آن در پیشگاه خداوند(ج) موجدیت عقیده درست و قرآنی است و آن عقیده شامل ایمان به الله متعال ،فرشتگان،کتابهای آسمانی،رسولان الهی،زندگی بعد از مرگ و تقدیر خیر و شر است .

بخش عبادت که نشانه ایمان صادق وبخاطر تقرب بیشتر به الله"ج" صورت می گیرد وبخش نظام اجتماعی،سیاسی،اقتصادی که جزء همین برنامه است بخاطر ارتباط سالم و درست بنده با خدا و بنده با بنده صورت می گیرد ولی گفته می توانیم که اخلاق در رأس این موضوعات قرار دارد.

اگر نظر دقیقتر به نظام الهی در تاریخ بشریت داشته باشیم می یابیم که پیام همه انبیا«ع» بیانگر این حقیقت است که رسیدن به سعادت و سربلندی مشروط به حسن اخلاق وپایبندی فضایل اخلاقی است.

پس در نتیجه می توان گفت که طبق سنن و هدایات انبیا«ع» حفظ ارزش های اخلاقی مطابق به قوانین و فرامین الهی در سر لوحه همه خوبی ها قرار دارد و یگانه راه رسیدن به فلاح و رستگاری جوامع می باشد.

اصول اخلاق

اصول اخلاق به دو بخش مهم تقسیم می شود.

۱) اخلاق نیک: آن اخلاق که انسان با متصف شدن با آن به درجات عالی انسانیت رسیده سعادت دنیا و آخرت نصیبش می شود.

۲) اخلاق بد: عبارت از آن رذایل اخلاقی بوده که انسان موصوف با آن به پست ترین مقام انسانیت تنزل می یابد.

{ حساب کنید با خود قبل از آنکه خداوند با شما محاسبه کند }

فصل دوم

اوصاف اخلاق نیک

{بهترین سخن آنست که مردم را بسوی خدا بکشاند}

اوصاف اخلاق نیکو

آنچه اعمال و خصلت های که جوهر و صیقل انسان را در جامعه منعکس می سازد و انسان را به قلعه های از شرافت در زندگی دنیا، فلاح و راستکاری در سرای آخرت نایل میگرداند، ذیلاً تحت عنوان او صاف اخلاق نیکو توضیح داده می شود.

صداقت و راستی

یکی از با ارزش ترین صفات اخلاق نیکو صداقت و راستی می باشد.

چون راستکاری و صداقت جوهر اصلی ایمان مسلمان را تشکیل میدهد، گفته می توانیم صداقت و راستی، نه صرف در افعال، کردار، گفتار و پندار مسلمان به حیث اخلاق اسلامی و ارزش های ایمانی جایگاه خاصی دارد، الله متعال آسمانها و زمین را به حق و همراه با حقیقت آفریده است.

واز مردم خواسته تا زندگی خود را بر حق و حقیقت استوار سازند جز حق و حقیقت نگویند و جز به حق و حقیقت عمل نکند و این دستور را به عنوان اصیل ترین اصول خلقت قرار داده است. بناءً سرگردانی و بد بختی بشر ناشی از آن است که این اصل واضح و روشن را به فراموشی سپردند در عوض آن اندیشه های واهی را بر افکار و مشاعر خود مسلط ساخته اند که این سوء فهم آنان را از راه راست منحرف و از حقایق که باید در تمام لحظات زندگی به آن التزام می داشتند، دور گردانیده است.

از همین جاست که سعی به صدق و راستی و رعایت کردن آن در تمام عرصه های زندگی از پایه های اساسی و بنیادی اخلاق مسلمان و صبغه ثابت و تغیرناپذیر تهذیب اسلامی بحساب می رود .

پیامبر(ص) صداقت را برای مسلمانها ضامن جنت قرداده است.می فرماید،ترجمه: عباده(رض) روایت می کند که پیامبر(ص) فرمود: «شش چیز را از نفس خود برای من ضمانت کنید ضمانت می کنم برای شما جنت را:

- صداقت را هر گاه سخن گفتید.
- وفا به عهد را هر وقت عهد کردید.
- امانت را ادا کنید هر گاه امانتدار شدید.
- شرمگاه خود را حفاظت کنید.
- چشمان تان را حفاظت کنید.
- دست های تانرا از ظلم منع کنید.

جوانان عزیز!

یک لحظه منصفانه به مفهوم این حدیث دقت کنید، پیامبر(ص) در چند سطر کوتاه اصول کلی و جامع زندگی را بیان می کند واقعاً اگر این شش مورد را افراد یک جامعه رعایت نمایند هرگز مشکلی در آن جامعه رخ نخواهد داد.

شجاعت

شجاعت اساس اخلاق حسنه بوده پایه های نظام اخلاقی را استوار می سازد و اعتماد به نفس و سخاوت را در قبال دارد.

شجاعت به معنی دلیری و دلاوری می باشد، دین اسلام از شجاعت تمجید نموده و برای استعمال آن حدود خاص و موارد مشخص گردانیده است و تاکید نموده که از این جوهر در کمک به محو باطل کار گرفته شود زیرا که اگر در انسان نیروی شجاعت و دلاوری موجود نباشد در برابر ظلم و استبداد مقابله کرده نمی تواند.

شجاعت یک وصف نیک است آنرا نباید با خصلت، های منفی (بدمعاشی، لچکی، لندغری) اشتباه گرفت، چون شجاعت برای خیر و صلاح فرد و جامعه بوده اما این خصلت های منفی باعث شر در جامعه می گردد که دین اسلام نه تنها آنرا نمی پذیرد بلکه از آنها متنفر بوده و عاملین آنرا به عواقب ناگوار تهدید می کند.

وفا

وفا نیز یکی از اوصاف اخلاق نیک محسوب می گردد هر گاه مسلمان عهد و پیمانی بندد بر وی واجب است که آنرا محترم بشمارد و هر گاه وعده و عهده به کسی داد باید به آن پابند باشد جز ایمان است ،انسان به سخنی که می گوید وفادار و پابند باشد و به سوی قول و گفتار خویش روان گردد.

وفاداری با معلم

امام احمد بن حنبل فرمودند:

«من سی سال است که هر شب برای امام شافعی طلب آمرزش و برایش دعا می کنم»

این وفاداری در قلب های زنده است که هیچ وقت صاحبان فضل و نیکی بر خود را از یاد نمی برند.

حال به شاگرد امام ابو حنیفه توجه کنید که می فرماید:

«به خدا سوگند من در نماز قبل از پدرم برای ابو حنیفه دعا می کنم»

برای همه ما و شما واجب است که با معلمان خود وفادار باشیم و همیشه آنها را احترام کنیم و وقتی در مقام و جایگاهی می رسیم از معلمان و استادان گرامی حمایت کنیم.

{ معلم تو شمع شدی سوختی شعله شدی ساختی تا هنرت به ما آموختی }

اخلاص

یگانه شمردن الله متعال در نیت تمام کار ها را اخلاص گویند، یعنی نیت و هدف از همه گفتار، کردار و زندگی ات فقط و فقط کسب رضایت و خوشنودی الله متعال باشد و یا تنها انگیزه شما از انجام دادن تمام کار های دینی و دنیوی (عادت ها و امور زندگی) در جهان هستی رضایت الله "ج" باشد.

تاثیر اخلاص در اعمال

جوانان عزیز!

باید با دقت بدانیم که ماهیت هر عمل در اخلاص موجود در آن عمل میباشد کارهای که در آنها اخلاص وجود ندارد هیچ ارزش در نزد الله متعال ندارد گرچه ظاهراً یک عمل نیک بزرگی هم باشد، و حتی، اگر اعمال، نیک (نماز، روزه، زکات، حج، صدقات و غیره اعمال نیک) ملوث به ریا گردد نه تنها پاداش ندارد بلکه مرتبکش گناهکار محاسبه می گردد.

پس گفته میتوانیم که شروط قبول اعمال دو چیز است و این دو شرط برای قبولیت یک عمل لازم و ضروری است.

شرط اول: این کار درست باشد یعنی مطابق شرع باشد.

شرط دوم: اخلاص است یعنی در انجام هر کار فقط رضایت الله در نظر باشد.

اخوت وهمدلی

یکی از نعمت های بزرگ الله متعال نعمت وحدت و همبستگی، اخوت و برادری است ما افغان ها در طول دوران پرافتخار تاریخ خود از هر قوم و زبانی و از هر سمت و گروهی، ملتی یک پارچه و متحد بودیم برادروار زندگی می کردیم.

و از همین اتحاد و یکپارچه گی در سطح جهان عزت داشتیم و با همین سلاح دو دشمن بزرگ یعنی انگلیسها و روسها را به زانو درآوردیم، اما دشمنان ما دانستند که رمز قوت و عزت ما در وحدت و یکپارچگی ما است با توطئه های پیگیر خود، ما را به نام قوم، زبان، سمت و حزب و گروه به جان هم انداخته و آتش تفرقه را در میان ما شعله ور ساختند که در نتیجه آن امروز به حالتی از فقر، ناامنی، ویرانی وطن و آوارگی را ببار آورده است.

این در حالی است که ما افغان ها همه از هر قوم و زبان و از هر سمت و گروهی که هستیم الحمدلله مسلمانیم به خدای یگانه ایمان داریمقرآن ما یکی است، پیامبر ما یکی است و قبله ما یکی است.

دین اسلام تجاوز به جان ، مال و آبروی همدیگر ما را برای ما حرام کرده و زندگی برادروار، مهر و محبت، ترحم و دلسوزی را برای ما توصیه نموده است تا در فضای صلح، امنیت، برادری زندگی خوب داشته باشیم.

علم و دانش افتخار مردم دانا بود

با قلم کوتاه سازید قامت شمشیر را

غرق وحدت باش اگر آسوده خواهی زیستن

ماهیان را هر چه باشد غیر دریا آتش است

فصل سوم

رذایل اخلاقی

{ شرم مردان را وقار است و زنان را زیور است }

رشوت

رشوت یک بلای اجتماعی و خیانت اخلاقی و ایمانی است که توده های مظلوم را از حق مُسلّم شان محروم و باعث غرس حقد و کین در دلها و مانع تأمین عدالت اجتماعی درمیان مسمانها و باعث ترویج فساد و سوء مدیریت و علت فساد اداری و باعث ازدیاد رنج و درد مظلومان می گردد.

چون معامله رشوت بیشتر در میان حاکمان و قدرتمندان مروج و معمول است.

بناءً قرآنکریم میفرماید: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ». [بقره آیه: ۱۸۸]

ترجمه: (و اموال خود تان را به باطل (ونا حق، همچون رشوت ، ربا ، غصب و دزدی...) در میان خود نخورید و آن را به اُمراء و قضات تقدیم نکنید تا از روی گناه، بخشی از اموال مردم را بخورید، در حالیکه شما میدانید).

الله(ج) در این آیه اکیداً دستور میدهد که نباید برخی از مردم مال برخی را به ناحق بخورند، زیرا هر جنایتی که در جامعه بروز میکند دیر و یا زود دامن گیر تمام افراد آن جامعه می گردد، به همین دلیل است که رشوت یک عمل قبیح (زشت) و نا جایز است.

شراب خوری

شراب یک پدیده منفی و یکی از عامل فساد اجتماعی است که از دید عقل و نقل منفور و از اسباب تباهی جامعه به شمار میرود، پدیده های منفی، عداوت و دشمنی را در قبال دارد.

معنی شراب در قرآن کریم اطلاق خمر بر شراب گردیده است.

خمر در لغت: به معنای پنهان کردن است شراب نیز عقل را پنهان میکند.

خمر در اصطلاح: امام راغب می گوید: شراب نام هر مُسکر (سستی آورنده) است.

نوشیدن شراب اضرار فردی، اجتماعی، دینی، صحی، اقتصادی و اخلاقی را در بر دارد.

تأثیر الکول بر شخصیت انسان

در گزارشی که از طرف انجمن مبارزه با الکول در انگلستان تهیه شده، آمده است «در اثر تحقیقاتی که بر ۱۸۶۰۰ شخص معتاد به الکول صورت گرفت، چنین نتیجه بدست آمد: استعمال الکول به طور دوامدار از شخصیت انسان می کاهد و سبب پیدایش کُندی ذهن، ضعف اراده، خشم سریع و خیالات می گردد. بدین سبب نمی توان در مسایل مالی، اجتماعی و رهبری به چنین افراد اعتماد نمود.

مواد مخدر

مخدر از خدر گرفته شده که به معنای ضعف، تنبلی و سستی می باشد.

مخدر در اصطلاح: مخدر آن چیزی است که عقل و حواس را مختل کند.

هر مواد نوشیدنی و مصرفی که در جسم انسان فُتور و سستی ایجاد کند. مثل: سگرت، نصوار، تریاک، پودر، چرس... از جمله مخدرات محسوب می شود.

چنانچه ابو داود روایت می کند «نهی رسول الله (ص) عَنْ كُلِّ مُسَكِّرٍ وَ مُفْتَرٍ».

ترجمه: رسول الله (ص) از هر بی هوش کننده و سست کننده منع نموده است.

عوامل اعتیاد

عوامل معتاد شدن قرار ذیل است:

- عدم توجه والدین در قسمت اطفال شان.
- عدم موجودیت مصروفیت های سالم و مهیا شدن زمینه بیکاری.
- عدم آگاهی از اضرار مواد مخدر.
- عدم اهتمام به وقت.
- عدم اعتماد به خود، و نادیده گرفتن کرامت انسانی.
- تاثیرات منفی فلم و سریال های مبتذل و گمراه کننده.
- تقلید نا سالم از همنشینان و دوستان.

- گاهی فشار روحی و یکنواخت در زندگی.

به طور خلاصه گفته می‌توانیم که سه عامل اصلی معتاد شدن وجود دارد عبارت‌اند از:

تربیه نا سالم، محیط فاسد و بیکاری .

فصل چهارم

آداب اجتماعی

{تعلیم و تعلم عبادت است}

تعریف آداب

آداب جمع ادب در لغت به معنای روشهای نیکو، عادات و رسوم پسندیده، و در اصطلاح عبارت از شناخت هر آن چیزی که انسان را از تمام انواع خطاها باز دارد.

و یا عبارت از جمع شدن خصلت های خیر در انسان می باشد.

آداب اجتماعی اسلام

از آنجاییکه می دانیم انسان با فطرتی خلق شده که برای تداوم حیات نیازمند اجتماع بوده و هرگز به تنهای نمی تواند زندگی نماید.

برای زندگی با آسایش و آرامش کامل نیازمند آموزش و رعایت یک سلسله آداب زندگی در اجتماع میباشد.

از سوی دیگر رعایت آداب در خود تکمیل کننده اخلاق حسنه میباشد.

دین اسلام یگانه دین کامل و جامع برای بشریت است که در همه عرصه های زندگی برای پیروانش اصول و قواعد مشخص دارد، برای تشکیل نظام های اجتماعی و تداوم زیست در اجتماع نیز آداب وضع کرده که همه پیروان این دین جامع و کامل مکلف به رعایت آن میباشد.

پیامبر(ص) معلم ایمان، عبادات، احکام، اخلاق و آداب بوده و همه خوبیها را در این راستا بیان نموده است و گفته های خود را عملاً انجام داده تا امت اسلامی به وی اقتدا نمایند.

پس درحقیقت سیرت مطهره پیامبر(ص) هم تعلیم و آموزش بوده و هم تربیه و پرورش، آداب زندگی فردی و اجتماعی را از تولد تا وفات بیان

نموده و به انسان می آموزاند که زندگی خود را با اخلاق اسلامی و آداب اجتماعی زینت بخشد.

آداب اسلامی انسان را در خوردن و نوشیدن، در خوبیدن و پوشیدن، در نشستن و برخاستن، در سیرت و صورت از تمام حیوانات مُجْزَا می کند.

جای تاسف اینجاست که اکثریت پیروان تقلیدی دین اسلام بنا بر عدم آگاهی کامل از آداب و سنن اسلام، در خوردن و نوشیدن، در قیافه و شکل و صورت ظاهری و بخش های دیگر، طرز زندگی اروپا و امریکا را الگو و اُسوه خود قرار داده اند، از مکتب های پیروی می کند که اصلاً آشنای از آداب زندگی ندارند. اینها کسانی هستند که به ظاهر خود را به اسلام نسبت می دهند و ادعا دارند که امت حضرت محمد(ص) هستند، ولی طرز زندگی و روش اخلاقی پیشوای اسلام محمد (ص) را عار و ننگ می داند. عمل کردن به روش و سنت های محمد (ص) را عقب گرای و مایه شرم ساری و بد نامی می پندارند. واقعاً اینها گمراه هستند.

آداب سلام دادن در اسلام

سلام دادن در اسلام سنت، و جواب آن واجب است. یعنی حکم سلام دادن ما فوق احکام حقوقی است، زیرا موضوعات حقوقی طلب کرده می شود اما موضوعات اخلاقی و ادبی بدون طلب انسان با امر وجدان و محکمه ایمان اجرا می گردد، مثل سلام دادن.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: نزدیکترین شخص به الله متعال کسی است که بدون انتظارش سلام بدهد.

مطالب ارزنده

مربوط به سلام دادن در اصول آداب اسلامی:

- بهترین کار یک مسلمان در اسلام این است که به نیازمندان غذا بخوراند و به کسی که می شناسد یا نمی شناسد سلام بدهد.
 - هر گاه شخصی در خانه ای داخل شد به مردمی که آنجا هستند سلام بدهد. هرگاه از آنجا برخاست و رفت، با سلام دادن از آنها خداحافظی کند.
 - اگر کسی سلام کسی را به دیگری رسانید در جوابش بگوید: علیک وعلیه السلام.
 - شخص سواره به پیاده، شخص رونده به نشسته و ایستاده و خورد وکلان باید سلام دهد.
 - از یک جماعت کافی است یکی سلام دهد.
 - به یک جماعت از مردم کافی است یک دفعه سلام دهید.
- سلام دادن از آداب اسلامی است، ولی در بعضی حالات مکروه است: برای کسیکه در حالت (تلاوت قرآنکریم، ذکر و انکار، خواندن نماز، طهارت، حمام، تلبیه حج، وعظ و نصیحت، تدریس، آذان و قضای حاجت مصروف باشد) سلام دادن مکروه است.
- اگر کسی سلام داد در این حالات، سلام دهنده مستحق جواب نمی گردد.

سلام دادن چه را به ما می آموزاند:

ا) آداب سلام به ما می آموزاند که اسلام در اصل ذات خویش دین صلح است. زیرا در اولین برخورد میان پیروانش درس صلح و احترام متقابل را می آموزاند.

ب) در اولین برخورد انسانها را به اجرای حقوق متقابل آشنا میگرداند.

ج) قبول باید کرد که این طرز برخورد میان انسانها، گهر نایاب و دُر کمیابی است که صرف در اخلاق و آداب اسلامی آموخته شده است و بس. در هیچ یکی از افکار دنیا به جز پیروان ملت ابراهیمی معمول نبوده و نیست.

د) سلام در عربی به معنی صلح است، این تحفه بیانگر این است که اسلام از اول ظهورش مُبلغ و مروج صلح بوده و هست.

اما آنچه امروز بر جوامع اسلامی تحمیل شده و بر چهره اصیل اسلام و مسلمین پرده کشیده و چهره افراطیت و دهشت از آن ترسیم مینمایند؛ کاملاً مخالف اصول دین مقدس اسلام میباشد.

البته همین ارزشهای اسلام است که دشمنانش را وادار می تا در هر عصر هزینه های انگفت را خرج نمایند و مانع رسیدن این پیام حق به تمام بشریت گردند.

آداب مجلس

هر فرد مسلمان در هنگام اشتراک در مجلس به رعایت آداب ذیل میباشد:

- قبل از وارد شدن در مجلس اگر اطاق بند باشد باید اجازه گرفته شود.
- اگر کسی وارد مجلس گردید قبل از کلام تحفه (السلام علیکم) را تقدیم نماید.
- در صورتی که در کار دیگران خللی واقع می گردد، بغیر مصاحفه به سلام اکتفا نموده آرام نشسته شود.
- برای هیچ کس روا نیست که کسی را از جایش بلند نموده در جای آن بنشیند، بلکه در جای خالی باید بنشیند و اگر جای نبود اهل مجلس باید برای تازه وارد جای تهیه کنند.
- دو نفری که در مجلس با هم نشسته هستند، برای هیچ کس روا نیست که بدون اجازه در بین آنها بنشیند.
- در مجلس نباید پراگنده نشست، بلکه جمع و گرد و با الفت باید نشست (زیرا اجتماع سبب الفت و محبت است، تفرقه سبب نفرت است)

وظایف جوانان

جوانان مسلمان امروزی که وظایف مشخص و معین به عهده دارند. خصوصیات و صفات مسلمان این است که ابراز وجود کند و خود را صاحب رسالت جاویدان و وارث پیامبران دانسته و بازگشت بسوی برنامه و منهج آنها را بر خود واجب بداند، چرا که در دین اسلام، میراثی که پیامبران از خود به جا گذاشته اند، به صورت برنامه زندگی

درآمد، و آنچه که در همه ادیان دیگر بود، درین دین خلاصه و متمرکز گردید.

در دینی که خداوند به تکمیل شدن آن بر بندگان منت نهاد .

جوانان عزیز!

مسلمان کسی است که حامل این رسالت باشد، رسالت محمد ص و قرآن کریم باشند.

جوانی مرحله قدرت است، جوان بودن نماد قدرت و زندگی سرشار از حیات است، چون کمال عمر انسان و کمال هر چیز اواسط آن است. همانگونه که خورشید در میان روز درست در اوج آسمان قرار میگیرد و در آن حالت قویتر و گرمتر از گذشته است، بنا بر این جوانی مرحله فعالیت، تحرک و فرصتها در عمر انسان و حیات اوست.

نقش جوانان در انکشاف و ترقی کشور:

با توجه به جوانان از ظرفیت های بالقوه و بالفعل فراوانی، همانند ترتیب و مسؤولیت پذیری، وجدان کاری، سازگاری اجتماعی و مشارکت پذیری فعال بر خوردارند؛ بنا براین سهم بزرگ در شکل دهی سرمایه های انسانی و علمی داشته باشند. سرشت جوانان چون زمینی غنی و پاک می باشد که امکان رشد هر گونه بذری در آن وجود دارد.

امروز نبض کشور و پیشرفت و توسعه جامعه به دست جوانان آگاه و سختهکوش رقم خواهد خورد که باجدیت و درایت زمینه های سربلندی و ترقی و پیشرفت کشور را فراهم می سازند و به توفیق و تایید الهی در صنوف درسی و محافل علمی، فرهنگی، اجتماعی و... با تعامل و نشاط فراوان حضور فعال و مستمر داشته و در افق آینده کشور، یک

افغانستان آباد و پر نعمت را ترسیم خواهند کرد؛ یکی از راه های پیشرفت و ترقی کشورها سرمایه گذاری به خاطر تربیت، آموزش جوانان و نسل آینده شان می باشد.

نسل جوان به عنوان نیروی فعال و متحرک، پرتلاش و با احساس می تواند نقش خوبی در توسعه و پیشرفت یک جامعه داشته باشد.

با پایان یافتن سه دهه نا امنی در افغانستان و به وجود آمدن زمینه تحصیل، جوانان کشور روز به روز به رشد و انکشاف کشور، علاقه مند به تأسیس مراکز فرهنگی و یا اقدام به ایجاد انجمن ها و اتحادیه های جوانان به فعالیت در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور می پردازند.

ومن الله توفیق

منابع و مأخذ

خالد، عمرو (۱۳۹۳) اخلاق مومن، ترجمه سمیه سکندری فر،
دو جلد، چاپ اول، خراسان رضوی، انتشارت حافظ ابرو
مطیع الله، حافظ (۱۳۹۵) کلید اخلاق، چاپ اول، کابل،
انتشارات راه فلاح

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library